



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) شهرستان تهران

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

بررسی فقهی ادله ی اثبات نسب با تکیه بر علم

قاضی در استفاده از آزمایش DNE

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر عذرا خلیلی

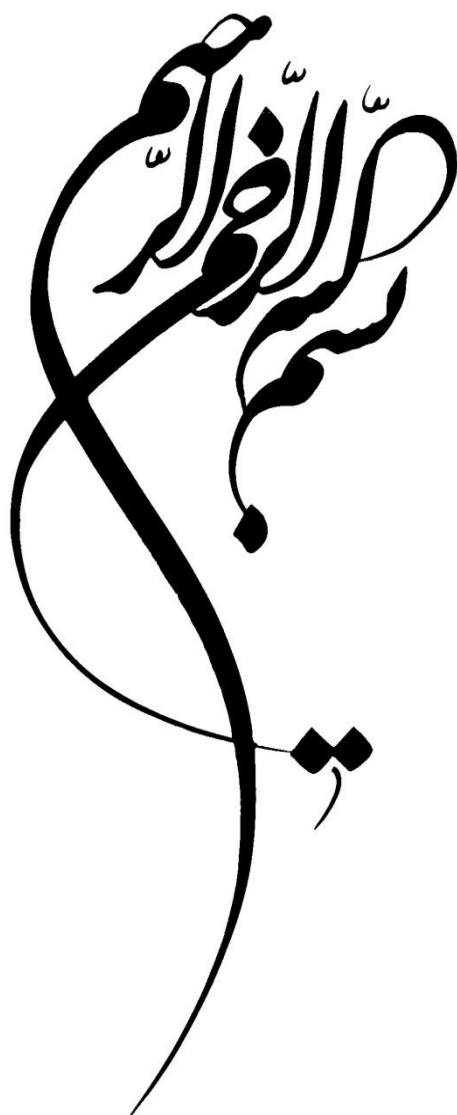
استاد داور:

سرکار خانم خدایی

پژوهشگر:

زهرا فضلی

تابستان ۱۳۹۳



تحمید:

پاس و تائید خدای عزوجل است که انبیاء و اوصیاء را وسیله ی نجات است و نشانه های روشن دین قرار داد و درود بر پیامبر رحمت،

پیشوای رهبران الهی و درود خداوند بر معصومین علیم السلام که قدم گذاشتن در راه آنان، قدم در صراط مستقیم و سعادت مردود عالم

است.

تقدیم:

تقدیم بہ ساحت مقدس سیدالشہداء و سالار شہیدان، حضرت امام حسین (علیہ السلام) و تقدیم بہ پیشگاہ صاحب الزمان (عجل اللہ

تعالیٰ فرجہ الشریف) کہ مثل فروغ بخش وجودشان ارادتمندان رار، بنمون شدہ و خواہد شد.

تقدیر:

با شکر فراوان از زحمات خانواده ام که در تمامی مراحل زندگی ام پشتیبان و دعاگوی من بوده و با تسلیت بایشان به من انگیزه و نیرو داده اند

و همچنین پاس از زحمات بی دریغ و خالصانه ی استاد کرامتدر سرکار خانم خلیلی که راهنمایی این پژوهش را با اشتیاق عمده دار شده اند و نیز

سرکار خانم ایمانیان و خانم فرجی که بابت کسری و نکته سنجی، تحقیق اینجانب را همراهی نمودند.

میوز

میوز، نوعی تقسیم سلولی است که طی آن سلول‌های جنسی (یعنی اسپرم‌ها و تخمک‌ها) تولید می‌شوند. طی این فرایند نوعی سلول دیپلوئید به نام سلول جرم طی مراحل در مردان تبدیل به سلول اسپرم و در زنان تبدیل به تخمک می‌شود. به فرایند میوز تقسیم کاهشی نیز می‌گویند.^۱ میوز یا تقسیم کاهشی در سلول‌های اولیه‌ی تخمدان یا بیضه مرد رخ می‌دهد. مرد و زن هر دو در سلول‌های خود عموماً ۴۶ عدد کروموزوم دارند. به صورت ۲۳ زوج که در هر زوج یک کروموزوم از پدر و یک کروموزوم از مادر به ارث رسیده است. اما این میراث از نظر ارثی یک میراث مختلط اجداد است به گونه‌ای که افراد هر نسل بخش‌هایی مختلف از ژن‌های والدین و اجداد را به ارث برده‌اند. علت این اختلاط، روش مخصوص میوز سلول‌های جنسی است. روش تقسیم جنسی یا میوز به این صورت است که برای تبدیل یک سلول جنسی اولیه به دو سلول، هر کروموزوم با جفت خود پهلوی پهلوی هم آغوش می‌شود و با همتای خود تبادل متقابل می‌کند یعنی تعدادی از ژن‌ها و مواد ژنتیک خود را با یکدیگر رد و بدل می‌کنند. این تبادل و معاوضه به چه مقدار یا به چه تعداد صورت می‌گیرد، قابل پیش بینی نیست. همین اندازه معلوم است که زوجهای کروموزومی هر فرد از پدر و مادر او به صورت مختلط به ارث رسیده است. یعنی یک کروموزوم هر زوج متعلق به پدر فرد و کروموزوم دیگر متعلق به مادر است اما هنگامی که این فرد خود به تولید و تقسیم سلول‌های جنسی وارد می‌شود تا صاحب فرزند شود سلول‌های جنسی اولیه‌ی او محتویات هر زوج کروموزومی را با هم مخلوط می‌کنند یعنی صفات پدری و مادری او میان دو کروموزوم هم جنس متقابلاً رد و بدل می‌شوند و از این اختلاط و رد و بدل‌ها کروموزوم‌های جدیدی به وجود می‌آید که در هر کروموزوم هم ژن‌های پدری و هم ژن‌های مادری وجود دارد. نتیجه این که فرزندی که از

^۱آیزنک، ام. دبلیو، همان، ص ۱۳۴.

این کروموزوم‌های جدید متولد می‌شود نه مانند پدر است و نه مانند مادر. بلکه مجموعه‌ی مختلطی از صفات آن‌ها را با خود دارد. البته در این اختلاط ممکن است غلبه‌ی شدید با صفات پدری یا مادری باشد، بسته به اینکه کدام ژن مسلط و غالب پدر یا مادر به فرزند منتقل شده باشد.^۱

پس از آنکه اختلاط فوق صورت گرفت سلول اولیه به دو سلول تقسیم می‌شود که هریک از آنها دارای ۴۶ کروموزوم مختلط است اما لازم است این سلول‌های ۴۶ کروموزومی در یک تقسیم مرحله‌ی دوم بدون افزایش دادن تعداد کروموزوم‌های خود به دو سلول جدید تبدیل گردند. در نتیجه دو سلول حاصل از تقسیم مرحله‌ی دوم هر یک دارای ۲۳ فرد کروموزوم (نه ۲۳ زوج) خواهند بود. به عبارت ساده در این تقسیم زوجها از یکدیگر جدا می‌شوند و به صورت منفرد وارد دو سلول جدید می‌گردند. در هر یک از سلول‌های جنسی حاصل از دو تقسیم کروموزوم‌هایی حضور دارند که بعضی صفات پدری و بعضی صفات مادری شخص را با خود دارند. این سلول‌ها که به نام عمومی گامت در مرد به نام اسپرماتوزوئید و در زن به نام تخمک یا اوول نامیده شده خود به تنهایی نمی‌توانند موجود تازه‌ای به دنیا آورند اما هنگامی که با یکدیگر جفت می‌شوند یعنی یک اسپرماتوزوئید با یک اوول در برابر هم قرار گیرند جفت آن‌ها تولید یک سلول ۴۶ کروموزومی می‌کند که سلول نطفه را تشکیل می‌دهند و این سلول نطفه با تقسیم متوالی و سریع خود به روش میتوز و رشد سریع موجب پیدایش جنین و جفت و انوامهای انسانی موجود زنده (در اکثر حیوانات و گیاهان) می‌گردد.^۲

^۱عباس، ادیب، همان، ص ۲۳.

^۲عباس، ادیب، ژن درمانی، ص ۲۳.

میتوز

نوعی تقسیم سلول است که طی آن سلول‌های غیر جنسی تولید می‌شوند. در تقسیم میتوز ابتدا باید در یک سلول به اندازه‌ی کافی اسیدهای نوکلئیک برای ساختن کروموزوم‌های یک سلول اضافی و نیز پروتئین‌های کافی برای زندگی دو سلول تدارک شود و پس از این تدارک با دو برابر شدن کروموزوم‌ها، غشاء سلول از دو قطب خود دچار فرورفتگی شود در حدی که فرورفتگی دو قطب به یکدیگر متصل گردد و در نتیجه سلول اولیه به دو سلول تبدیل شود. در صورتی که این تقسیم سیر طبیعی و سالم را طی کرده باشد دو سلول جدید باید عیناً المثنای سلول اولیه باشند. یعنی تعداد کروموزوم‌های آنها ۴۶ عدد و توالی نوکلئوتیدها و ساختار ژنی کروموزوم‌های دو سلول نیز المثنای یکدیگر باشند زیرا در تولید هر کروموزوم جدید باید دو نیمه زنجیر هریک از کروموزوم‌های سلول اولیه از یکدیگر باز شوند تا آنزیم DNA پلیمراز بتواند از روی نقشه هر نیمه زنجیر نوکلئوتیدی مکمل آن نیمه زنجیر را در کنار هم قرار دهد و یک نیمه زنجیر مکمل ایجاد کند.

نتیجه آنکه با تبدیل یک کروموزوم به دو کروموزوم، در هر یک از کروموزوم‌های جدید یک نیمه زنجیر کهنه با یک نیمه زنجیر نو جفت شده است و توالی نوکلئوتیدی و ژنی دو کروموزوم جدید همانند کروموزوم اولیه است.

با این همه در مواردی ممکن است این تقسیم از سیر طبیعی خارج شود و موتاسیون‌های گوناگون رخ دهد و مثلاً تعداد کروموزوم‌ها به تعداد مساوی بین دو سلول جدید تقسیم نشود یا تغییراتی در ساختار کروموزومی یا ژنی رخ دهد و موجب اختلال عمل سلول گردد.^۱

^۱عباس، ادیب، همان، ص ۱۹-۲۱.

ادله‌ی موافقان و مخالفان از مراجع عظام در خصوص آزمایشات ژنتیکی

استفتائی در خصوص استفاده از آزمایش ژنتیک از مراجع تقلید به عمل آمده است. مراجع تقلید در پاسخ به این استفتاء به دو دسته تقسیم می‌گردند. اکثریت بر این عقیده‌اند که در صورت حصول علم می‌توان بر مبنای آن علم عمل نمود.

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی: «نسب به استناد آزمایش های مذکور، شرعاً ثابت نمی‌شود ولی اگر کسی شخصاً علم به نسب پیدا کرد خودش موظف به ترتیب آثار آن است والله عالم.

آیت الله محمد فاضل لنکرانی: «اگر برای قاضی علم حاصل شود که کودک برای فرد مورد نظر است، کودک به او ملحق می‌شود.»

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: «اگر آزمایشات به قدی دقیق باشد که برای نوع افراد کارشناس نیز سبب قطع و یقین جهت انتساب فرزند به شخص آن مرد باشد، جهت انتساب فرزند به او کافی است.»

آیت الله حسین نوری همدانی: «اگر علم حاصل شود، می‌تواند حکم به وجود نسبت کند.»

آیت الله سید علی خامنه‌ای: «حجیت ندارد، مگر در صورت حصول یقین.»^۱

برخی دیگر از مراجع بر این باورند که علمی که از طریق این آزمایش‌ها حاصل گردد، حجت نیست و با این آزمایش‌ها نمی‌توان نسب را ثابت نمود.^۲

^۱ مهشید سادات، طباطبائی، نقش آزمایش DNA در اثبات نسب از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران، ص 7، برگرفته از حسنی، محمد، استفتاء نسب به وسیله‌ی آزمایش‌های ژنتیکی، بیتا، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی

www.vakilghasemian.blogfa.com . :

^۲ همان، ص 7.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی: «این گونه آزمایش ها و علم قاضی که ناشی از آن باشد، حجت نیست و نسب نیز با این آزمایشات ثابت نمی شود؛ این گونه آزمایش ها با توجه به تخلف های فراوانی که دارد، حجت نیست.» علت این حکم به حجیت قاضی برمی گردد؛ یعنی علم قاضی، زمانی حجیت دارد که از طریق حس یا مبادی قریب به حس باشد.^۱

آیت الله وحید خراسانی نیز بر این عقیده اند که این گونه آزمایشات حجیت نداشته و ابوت بوسیله ی آن اثبات نمی شود.^۲ در فرض تعارض این آزمایش ها با اماره ی فراش نیز در میان علما اختلاف نظر وجود دارد. عده ای بر این عقیده اند که این آزمایش ها حجیت نداشته و بر اماره ی فراش مقدم نمی گردند.

آیت الله جوادی تبریزی: «آزمایش و تجزیه ی خون و امثال آن ها اعتباری ندارد. اگر برای مجتهد جامع الشرایط، علم حاصل شود، می تواند به علم خود عمل کند والله العالم.»

آیت الله صافی گلپایگانی: «در فرض سؤال، ترجیح باید فقط با امارات شرعیه باشد والله العالم.»^۳ عده ای نیز به امکان عمل قاضی به علم خود در صورت حصول یقین، اظهار نظر نموده اند.

آیت الله سید علی سیستانی: «تنها با طریق قطعی، ترجیح داده می شود ولیکن حد زنا با آن ثابت نمی شود. بلی، برای قضاوت باید به نحوی باشد که اجتهاد شخص در آن اعمال شود.»^۴

^۱ همان، ص ۲۲.

^۲ استفتاء از دفتر پاسخ به مسائل شرعی حضرت آیت الله وحید خراسانی، قم

^۳ مهشید سادات، طباطبائی، همان، ص ۲۳.

^۴ همان